

« نظر اینکه در آئیه سوء تفاهمی حاصل نشود و بملاحظه اینکه وضعی در امور ایجاد نگردد که بعدها از جهت دولت ابرازاً دچار موقع مشکلی نماید لهذا قطعات سابق الذکر صراحتاً در قرار داد تعیین شده است .

« ضمناً مالیات‌هایی که تخصیص به تأمین قروض دولت ایران به بانک استقراضی و شاهنشاهی داده شده اعتراف می نمایند و تصدیق میکنند که در آئیه کماکان مالیات‌های مزبوره تأمین قروض را نمایند و در صورت مشاهده بی ترتیبی در آئیه اقساط استهلاك و یا منافع قروض مذکوره دولتین بعهده میگیرند که بوسیله قرار داد متفق علیه اقداماتی که برای تأسیس کنترل لازم باشد معین گردانند و دوستانه تعاطی نظریات نموده و از هرگونه مداخله که با اصول اساسی قرار داد منافات داشته باشد احتراز جویند

« دولتین دوامضای قرار داد باعزم ثابت این اصل اساسی را در نظر داشته که استقلال و تمامیت ایران کاملاً و مطلقاً رعایت گردد — یگانه مقصود از این قرار داد‌ها اجتناب از هرگونه سبب و سوء تفاهم بین طرفین متعاهدین در زمینه امور ایران می باشد — در دولت شاهنشاهی معلوم و ثابت خواهد شد که قرار داد فیابین روس و بریطانیای کبیر باعث از دیاد سعادت — امنیت بالاخره ترقی و تعالی ایران به بهترین شکلی خواهد بود «

بایستی از دولت ایران خواهش نمود که این اطلاع را محرمانه

فرض کنند تا زمانی که در این جا * طبع و نشر شود
 اگر تحقیق مفاد و معنای قطعات متصله محدود در لثین را
 به نمایند شرح ذیل را نزد ایشان ارسال دارید
 « خط روس ابتدا از قصر شیرین شروع و از اصفهان —
 یزد - و کاخ عبور نموده آن بلاد را شامل و بالاخره در نقطه
 از سرحد ایران که در آنجا حدود روس و افغان تقاطع مینمایند
 منتهی میشود .

« خط انگلیس شروعش از سرحد افغان شده از طرف
 غازیك — پیر چند و کرمان گذر کرده در بندر عباس
 بانتهای میرسد »

نزه - ۲۱

مکتوب سیراسپرنیک و ایس به سراد وارد کری — (وصول

۳۰ سپتامبر ۱۹۰۷)

آقا از قلهک مورخه ۱۳ سپتامبر ۱۹۰۷

موافق دستوری که آنجناب مورخه ماه گذشته راجع بنمویق
 نادیه اقساط استهلاک تا مدت سه سال داده بودند یادداشتی بزبان
 فارسی بوزیر امور خارجه و وزیر مالیه ایران ارسال داشتم که
 اکنون ترجمه آنرا انفا با کمال افتخار معروض میدارم . ولی دولت
 ایران تاکنون از رسیدن آن اطلاعی نداده است

(امضا) سر اسپرینک رایس

مافوقه عدد ۴۱

(ترجمه یاد داشت) سر اسپرینک رایس به پرنس عالیء الدوله

خدمت حضرت اشرفی از قریه بیویکم ماه اوت ۱۹۰۷

سواد یاد داشت مورخه ۲۳ ژوئیه حضرت اشرف را

راجع بخواهی دولت بران از دوات فخریه انگلیس که در تعویق

اقساط استهلاك دین تا مدت سه سال مساعدت شود بدولت متبوعه

خودم انهاء داشتم .

دولت فخریه ایشادین اینک دوات شاهنشاهی و مجلس مقدس

ملی مشغول اقدامات مجددانه در اصلاحات لازمه و تعدیل مالیه و نیز

توسعه تجارت میباشد مشغول و حیرت شاد است و اینکه بیان

نموده اند برای این اقدامات مدت شایسته کافی اقلای سه سال لازم

باشد تا بتوان با اصلاحات و مقاصدیک در مد نظر اسر و وفق کردید

مورد توجه افتاد

عقایدیک حضرت اشرف از طرف مجلس ملی واقع بدوستی

موجوده بین دولین اظهار فرموده بودید کما قدر شناسی را نموده

دولت متبوعه، من نیز همان عقاید را داراست و پس از آنکه مضماین

مکتوب شما را با آن دلایلی حویلی که افامه کرده بودید ملاحظه نمودند

بمن دستور دادند که خواهش دولت ایراترا در خصوص تاخیر سه

ساله تادیه قروض به پذیرم چنانچه در ظرف این مدت چیزی از

بابت استهلاک دین پرداخته نشود مگر منافع آن تا آنکه دولت ایران
و نمایندگان ملت وقت یافته با اصلاحات لازمه و اجرای آن به پردازند
و دخل و خرج مملکت را بر پایه صحیحی قرار دهند .

بایستی خاطر نشان نمایم که دولت اعلیحضرتی درازاه قبول
این خواهش چنین میفهمد که شروط دلیل ملحوظ خواهد افتاد - :
اولا — معلوم است که دولت ایران موافق قانون کلی
دائن و مدیون هیچ قرار داد استقراض جدیدی با خارجه نخواهد
نمود مگر آنکه حق تقدم را باین شروطی که در استقراض با دیگری
میباشد به وام خواهان خویش یعنی انکاپس روس بدهد — دلیل
این شرط بر شما واضح میباشد زیرا رحمت قانون و عادت مرسومه
هر مدیونی که با دائن قرار دادی میکند بایستی بدون اینکا ابتدا
حق تقدم را بطلبکار اولیه خود بدهد از محل های دیگر
استقراض نماید .

ثانیاً معلوم است که دولت ایران نظر با آزادی منافع تجارت
حفظ خواهد نمود قولی را که اتابک در پست و هفتم اکتبر ۱۹۰۱
داده بود و امسال هم آنرا صدیق داشته اند که « دولت ایران
انحصار سکه نقره را در خرابخانه دولتی بهیچ کس امتیاز نخواهد
داد و بر بانام اشخاصیکه نقره وارد می نمایند خواه ایرانی باشند
و یا غیر آن بطور آمو و بدون تفاوت رفتار خواهد کرد » :
ثالثاً — دولت اعلیحضرتی خواهی دولت ایران را

پذیرفته و از حقوقیکه بر طبق عهد بر آنها تعلق گرفته صرف نظر
 مینماید تا دولت و مجلس وقت توانند یافت که با اصلاحات لازمه
 پرداخته خرج و دخل مملکت را بر اساس صحیحی بگذارند مع هذا
 اگر دولت فحیمه انکس اطلاع بیابد که سعی و کوشش جدیدی
 در اجرای آنگونه اصلاحاتی که میکوشید بعمل آورده نشود
 آنوقت با کمال افسوس حق مطالبه تادیبه اقساط پس افتاده استهلاك
 دین را در هر موفی از این سه سال آتیه خواهد داشت

(امضا) سبیل اسپرینک رایس

نمره ۴۲

قسمتی از مکتوب سیر اسپرینک رایس به سراد و اود گری
 (وصول ۳۰ سپتامبر)

آقا ار فلهك ۱۳ سپتامبر ۱۹۰۷

با کمال افتخار مروض میدارم که آنابك درسیام ماه
 گذشته هنگام شب ملاقات من آمد و موصلا از او ضاع سیاسی
 گفتگو نمود

مهموم بیا ناشر این بود که شاه از ضدیت دست خواهد
 کشید و مخالفت را متروک میدارد — مجلس بادولت موافقت خواهد
 نمود و چندی نمیکند که دولت خواهد توانست بی نظمشی که
 سراسر مملکت را فرا گرفته مرتفع سازد — من ویرا بدینگونه
 شغوف و در حال وجد و امید واری هیچگاه ندیده بودم .

روز دیگر اتابک باوزرا حضور شاه شرفیاب گشته مجتهداً استدعا نمودند که یا استعفای ایشانرا بپذیرفته و یا از روی واقعیت منعهد گردد که با هیئت دولت و مجلس اتفاق و همراهی فرماید. پس از اخذ تمهید کتبی همگی بمجلس رفتند و در آنروز مذاکرات مجلس کلیتاً مثبتی بر اتفاق و رعایت بخش بود — اتابک دستخط شاه را قرائت نمود و گفت اینورد، لب و مجلس مینو اند داخل در کار شده جداً بعمل اصلاحات به بردانند — حزنی اراد و مخالفتی حواست بظهور رسد ولیکن از آن جلوگیری کردید — اکثریت مجلس همراهی خود را بادول اظهار داشت — خلاصه اتابک از مجلس بر حواست و بانفاق اتا سید عبدالله مجتهد بزرگ بیرون آمد چون بدرب خارجی سخن عمارت رسیدند بمجلس جدا شدن از یکدیگر اتابک حدود کلونه و در راه بی مفاول کردید — یکی از جمله کاندکان که گرفتار آمد دستگیر کننده را مجروح ساخته فرار کرد و دیگری چون خویش را انحصور یافت خود را بضرب کلونه هلاک نمود — چند اتابک را در کلاس شخصی خود همراهی دو نفر سید همان کردند و در خانه شهر بش قرار دادند و به به لوازم مجلس ترجیم پرداخته کردید لیکن چون مکاتوبات تهدید آمیز بدون امضائی فرستاده شده مشعر بر اینکه اگر رسومات تمزیه داریرا فراهم آورند هر آینه آن خانها را از نیان براداخته ویران خواهند ساخت لهذا الزام بر اسم بره را بر او مقوف داشتند و بنا بر

اطاعت امر شاه اول ماه جاری بهنگام شب جسد اتابك را باكان آرامی و سکوت بیست و پنج ساعت پس از مقتول ککردیدن و چهار ماه بعد از مراجعتش ایران بطرف قم حرکت دادند .

خبر قتل ویرانیم ساعت پس از وقوع آن بتوسط یکی از اجزای بانك شاهنشاهی موسوم به مستر برون اطلاع یافتیم — فوراً مستر جرچیل بطرف خانه ییلاقی اتابك شناخت که خانواده اش را از این حادثه مطلع سازد — من خود نیز بسفارت روس رفته مسیو دوهار توپك را در آنجا ملاقات کردم — و متفقاً قرار دادیم که در این مسئله اقدامی نشود مگر آنکه منشی های شرقی سفارتین را بمحضور شاه روانه داشته اظهار تأسف از این واقعه بنمائیم و اگر از ماصلاح اندیشی کند بگویم بهتر آنست از آنگونه کارهائی که سبب هیجان افکار عمومی خواهد گردید مانند تمصل نمودن مجلس و یا عقید ساختن و کلا اجتناب بورزد و ناممکن است این قضیه را وا گذار بوزرا و مجتهدین و به مجلس نماید .

روز دیگر مستر جرچیل راهمقطار روسی خود خدمت شاه شرفیاب گردید — اعیانحضرت ایشانرا باحضور وزیر امور خارجه فوراً بار داد و آنها پیغام تأسف و تالم مارا تقدیم نمودند و شاه مختصر جوابی بعبارات رسمی بیان فرمودند — معلوم بود که نه شاه از صرك ناکهائی رئیس الوزرا چندان ملول و نه دوباریان از نابت آن افسرده حال بودند -- و شاه را ملاحظت او ضاع سیاسی هیچ فتح

باب سخن نه نموده و این شرفیابی فقط بر وسومات ساده در گذشت .

تا چندی قبل در جراید محلی و افواه شایع بود که اتابك مخفیانه پادشاه سازش نموده که مجلس را بر چیند و مملکت را بروس بفروشد و نیز از اعضای مجلس اظهاراتی بهمین مفاد بمن رسید . هیچ شکی نیست که احساسات بر ضد اتابك منها شدت را دارا بوده .

یک نفر طیب فرانسوی که یکی از جمله کنندگان با اتابك را چندی قبل از وقوع قتل معامله نموده بود بمستر چرچیل حکایت و مسلم میداشت که آن شخص و دوستانش از مردمان سلیم آرام و از محترمین اواسط الناس و بواسطه حس وطن پرستی چنان مشتعل بودند که جان خود را در خدمت مملکت خویش برای فدا ساختن حاضر داشتند .

تا چندی گذشته تاخت و تاز بر اتابك مذهبی درجه شدت را یافته جالب دقت عامه گردیده بود — این مسئله در مجلس موضوع مذاکره واقع شده آقا سید عبدالله مجتهد بزرگ در سر زین سعدالدوله که محرك هیجان صدمت با اتابك دانسته شده بود نطق آتشینی نمود و رئیس مجلس اظهار داشت که اگر اتابك استعفا بدهد مرآینه او نیز استعفا خواهد داد زیرا متعنی شدن اتابك هیچ مدلول وجهی نخواهد داشت مگر انفصال فوری محاسن — اکثریت مجلس

با اتابك همراه بود ولی افکار عامه این همراهی را شاید طرح يك نقشه و تدبیر سوئی مابین اتابك و اکثریت مجلس که گمان شده بود بگرفتن پول رام شده اند پنداشته چنانچه در مورد آقا سید عبد الله این مسئله را حتمی میدانستند - در شهر هبجان مردم رو بازدياد نهاد و دشمنان اتابك آتش فتنه را برای پیشرفت مقاصد خویش روشن می نمودند .

طبیعی بود که مابین اوضاع اقدامات شدید تری پیش خواهد آمد .

از قرار معلوم مفتین بایکی از انجمنهای سری که در طهران عدم آنها بسیار است مرابطه داشته اند و برخی از کسان خویش را که هم پول فراهم کرده و هم اطلاع از اخبار مهمه در بار میدادند و ادار بدخول در عضویت آن نمودند - اکنون سهل گردید که اعضای انجمن و متقاعد سازند باینکه فقط راه نجات مملکت در اعدام اتابك است که پادشاه مخفیانه در خرابی کوشش می نماید و عنقریب مجلس را در تحت اقتدار خویش در آورده بکممک رئیس مجلس قرضه دیگری او خارجیه استقراض خواهد نمود - احکام اعدام وی صادر گردید و در همان روزی اجرا یافت که ظاهراً بظفریت خویش نابل آمده بود .

عموم مردم وقوع این قتل را نمجید میکردند و جمله کشندگان را ناجی مملکت میخواندند - دو تبریز کوچه هارا چراغان نموده

و آئین بستند *

اما نتیجه حک که ارتقا اتابك منتج خواهد شد همانا کسبخته شدن رشته امور و نامدنی عدم انظام در قواعد حکومت خواهد بود و افکار عموم قتل اتابك را از روی استعجاب می پندارند و اکنون در ایران حس وطن پرستی و تصمیم در معدوم ساختن هر ایرانی که فرض شود اقدام در فروش تملک خویش می نماید چنان اشغال و قوتی دارد حک که از این پیش هرگز وجود نداشته و يك عنصر جدید است که در حیوانه ایرانی پدیدار گردیده — ممکن بود این احساسات را برای برداشتن يك وزیر عمده بکار برده باشند ولی واضح است حک که هیچیک از اولیای سیاست نمی تواند این حسیات را به نظر حقارت « آورد

مرد — ۲۳

مکتوب سرا بپرنیک ، اس به سراد و ارد حکری —

(وصول ۳۰ سپتامبر)

از قتلک ۱۳ سپتامبر ۱۹۰۷

اوضاع بدتر حک گردید و بین نظمی تملک بواسطه مردن اتابك افزایش یافته است — اصفهان در تحت تصرف و اقتصاد ملاحای بزرك که مردم را تحریک و اتباع خارجه را تهدید مینمایند درآمده — راه مابین اصفهان و قم را دسته از بختیارهای مسلح اشغال کرده و قوافل و پست را سرقت و مسافری را اذیت مینمایند

و مخصوصاً راه تجارت را برپا نخت مسدود داشته و احکام و اقتدار دولت را هیچ می‌شمرند — از قراویکه کاپیتن لوریم می‌گویند انکلیس‌های مستخدم اداره کیانی فقط در معرض مخاطره عظیمه واقع شده اند .

هنوز در پرداختن و ایصال منافع طلب انکلیس هیچ اقدامی نه نموده اند — در آمد کمرکات پوشهر را که برای منافع فرضه مذکور تامین داده شده بود دولت بمصرف دیگر می‌رساند و حتی عم کرد کمرکات کرمانشاه که از ابتدا جبهه تادیبه این مسئله معین شده بود اکنون با کمال بی‌ترتیبی به بانک شاهنشاهی ایصال میدارند و چون مالیات از ولایات وصول نمی‌شود لهذا غیر از عایدات کمرکات برای دولت محل عایدی دیگری موجود نیست و شاه بصورت مخارج شخصی خود را فراهم آورده و ملازمش اتصالاً از خدمت تعطیل می‌توانند .

در این تاوکی هیئتی مشیر الدوله را ملاقات و بوی تکلیف بپذیرفتن شغل نموده مشارالیه از قبول آن امتناع میداشت مگر اینکه پول باو برسانند و میگفت هرگز مسئولیت خطر ناک استقراض از خارجه را بعهده نخواهد گرفت و اگر اهالی ایران تدارک سرمایه لازمه برای اجرای امور دولت بپسند و باراضی نشوند که دولت از نقاط دیگر تحصیل آرا نماید طولی نخواهد کشید که تشکیل مرکبینه غیر ممکن خواهد گردید .

از موافقت با مجلس که البته بدون آن حالت هرج و مرج مداومت خواهد یافت هیچ علامت و قرینه مشهود نیست — انجمن های سیاسی که در حقیقت حکومت و فرمانفرمائی مملکت را مینمایند کمال بی اعتمادی را از شاه و وزرای او دارند و معروف است که شاه باه شروطه جداً مخالف و ضد می باشد — احتمال دارد بواسطه اوضاع کنونی بر منافع انگلیس ضرر وارد آید — شاید يك کابینه موافق اساس مشروطیت تشکیل یابد که داوای قوه و قدرت کافی باشد که رفع بی نظمی را نموده مالیات را جمع آوری کند و گمان میکنم مصلحت است تا چندی منتظر اتفاقات آتی بشویم چنانچه اگر تا بهار آینده بهبودی حاصل نگردد آنوقت آندولت ها ئیکه علاقه عمده دارند برای حفظ منافع خویش در صورتیکه خالی از اهمیت نباشد با اقدامات لازمه شروع نموده لاکن بعقیده من در آن ضمن نیابستی طوری اقدام گردد که عصیت عامه بهیجان دو آید .

(امضا) سیل اسپرینک رایس

نمره - ۴۴

مکتوب سراسیر ینک رایس به سراد وارد کری —

(وصول ۳۰ سپتامبر)

از فلک ۱۳ - بتامبر ۱۹۰۷

۵۲

افتخار دارم خلاصه حوادث یکماهه را در تلو همین عریضه

حضور آنجناب عرض دارم

صنیع الدوله که اتابك را همراهی نموده و مخالفت مجلس را نسبت بمشارالیه بطور موقتی مرتفع ساخته بود اکنون استعفا داده است واحتمام السلطنه که مامور کمیون سرحدی تسویه حدود ما به النزاع ایران و عثمانی شده بود و بنازکی از موصل مراجعت نموده بجای صنیع الدوله بریاست مجلس انتخاب گردید - جنبدی در برلن از طرف ایران وزیر مختار بود و مخصوصاً بواسطه رفتار دلیرانه اش که در ماه مه (۱۹۰۶) آشکارا خواستار تجدید ~~کردیده~~ و بدان جهت تبعیدش نموده بودند شهرتی یافته است - و گفته بود که من « برای کاریکه بایستی انجام بیابد و نیز جهت آزادی مردمان ایران ایستادگی کرده خود را وقف این مقصود خواهم کردانید - بلا شبهه مردیست صاحب عزم و جرئت و ریاستش در مجلس با این اوضاع کنونی دارای اهمیت بوده و یقیناً اسباب پیشرفت نفوذ پارلمنت خواهد گردید .

(امضا) سبیل اسپرینك رایس

ملفوف نمره - ۴۴

خلاصه وقایع یکماهه

طهران

اتابك اعظم در ۳۱ ماه اوت چنانچه مفصلاً در مکتوب

جداگانه راپورت داده شده بود بقتل رسید .

مجدداً کابینه موافق دیل تشکیل یافت

کابینه جدید	کابینه قدیم	
مشیر السلطنه	اتابک اعظم	داخله
سعد الدوله	علاء السلطنه	وزارت امور خارجه .
قوام الدوله	ناصر الملک	مالیه
مشیر الدوله	علاء الملک	عریبه
بدون تغییر	مستوفی الممالک	جناک
مجدد الملک	وزیر هایون	تجارت
نیر الملک	مخبر السلطنه	معارف
بدون تغییر	مهندس الممالک	فوائد عامه
نظام الملک	وزیر مخصوص	حاکم طهران

نیریز

اوساع در ظرف ماه گذشته همه روزه روی به بهبودی نهاده و اکنون بحالت عادی حار است — واپورتی که از خوی رسیده اشعار میدارد که اعتذارات منجر بخون ریزی گردیده است — فرمانفرمای جدید آذربایجان در اجرای امور با انجمن متفق و مساعد

میباشد و چون قیمت ناز را بزل داده لهذا طرف قدر شناسی اهالی
واقع شده است

اصفهان

راه های سمت اصفهان بواسطه دزدان بکلی برای مسافرین
ناامن ~~گردیده~~ - بستی که اول ماه اوت بطرف طهران روانه
گردید بود باین اصفهان و طهران دو نظام آباد بسرقت رفت -
این دومین سرقتی است که در ظرف پنج هفته در همین نقطه اتفاق
افتاده - دوتقریبوسی را در دو موقع دزد زده و یک نفر کتیش
ابطالائی و عامل رژی تونون که اروپائی و جدیداً فرستاده شده
ماجمی از ارامنه و سایرین بز گرفتار سرقت آمدند - عدده دزدها
از قراریکه گفته می شود سی نفر میباشد و آشکارا در نزدیکی ترق
حادر زده و همینکه کاری ویا کالسهکها در آنجا بوقف می نمایند فوری
برای تحقیق از حال آنها حاسوس میفرستند - برای مجلس بتوسط
همان اشخاصیکه اموالشان را بسرقت میرسد کاغذ ارسال میدارند
و در آن اسامی خود را نوشته مجلس را مبارزت میطلبند ~~که~~ اگر
میتواند آنرا از آن نقطه منفرق سازد .

عموماً مذکور می شود که این دزدها از اتباع صمصام
السلطنه ایلیخان بخبثت وریاست دزدها را به سرب خان
هر آخور ظل السلطان نسبت میدهند - قسول جنرال اعلیحضرتی
برای عبور کاروانهای لنینچ از این راه سعی نمود که تحصیل امنیت

نماید — صمصام السلطنه که بحکم اتابک مرحوم ماهور تنظیم
 و تأمین این راه گردیده بود معلوم شد مایل باقدام در این کار نیست
 و حاکم اصفهان عدم مسئولیت خود را کتباً اظهار داشت — همینجا
 مشار الیه چند نفر قزاقی باقره سوران در راه فرستاد و دویست
 سالماً از آنجا عبور کرده وارد شد — ناامی راه مانع است از
 اینکه مستر لینگ حمل مال التجاره نماید — در راه های مختیاری
 و سلطان آباد نیز سرقتهای بظهور پیوسته و از قراریکه راپورت
 داده اند در راه بین اصفهان و شیراز سه بست را دزدهات از ترس
 دزدهاتیکه آن راه ها را اشغال کرده اند مخفی داشتند .

شهر اصفهان کاملاً بی نظم است — اتباع آقایان هفتتة
 دو روز در میدان بزرگ غمیش میدهند و اکثر آنها با اسلحه آتشی
 میباشند و اتصال بر عده آنها افزوده می شود زیرا از دهاتیکه متعلق
 بدیکران است رعایا از برای اینکه در حمایت آقایان بوده و از دادن
 مال الاحاره و یا آنچه بدی ایشان است سر تافته و رهائی بی ایندلم
 « فدائی » ایشان ملحق می شوند — این اشخاص را احزای
 افواج سابق ظل السلطان مشق میدهند که برای همین
 مقصود ایشان را در هر جا که بوده اند تحسین کرده باین کار
 بگذاشته اند .

روز سزدهم اوت جمعی از سادات و تجار داخل الحجه
 ولایتی گردیده گفتند باید بداجم بجهت آقایان حمل غله و کندم را

به یزد منحصر بخود نموده اند - بحکم اقا نورالله آن جماعت را زدند و از آنجا خارج ساختند - چون آقایان سعی کردند که بر قیمت نان بیفزایند مردم برضد ایشان احساسات سخت بروز داده ولی بواسطه انتشار خبر مراجعت ظل السلطان مرتفع گردید و مسئله آمدن وی باعث شد که بازارها را بستند و پشاه تلکراف نموده از آمدن وی پرست گردید .

شش نفر سید بسمت نمایندگی مقرر گردید که صورت تلکراف را به جنرال قونسولگری آورده خواهش نمایند که بتوسط سفارت پشاه مخایره شود - چون ابواب قونسولخانه را بسته یافته و از دخول بداتجا ممنوع آمدند لهذا بجانب قونسولخانه روس رو آوردند - مسبب این آوسکی تلکرافشانرا ارسال داشت ولی از قبول ورود جمعیت بقونسولخانه امتناع ورزید و ایشان سه چهار روز در خارج نجبا توقف کرده و در ظرف آمدت تلکرافات مخایره کرده و جواب دریافت میداشتند - روز نوزدهم پس از آنکه از جانب اتابک مرحوم تلکرافی رسید که ظل السلطان البته بدان سبب خواهد آمد جمعیت از آنجا حرکت نموده بمسجد شام رفت - بازارها را بحالت تعطیل باقی داشتند و هر کس اقدام به بار کردن دکان خود مینمود « قداثیان » او را بازنجیر میزدند و دسته از این اشخاص با (ستر بون) اجزای کپانی زیبار که به دارالحکومه حویشتن میرفت مصادف گردیده ویرا تهدید نموده - اوایل

انقلاب يك زدو خوردی مابین « فدائیان » و کمان ظل السلطان در چهارسو بازار اتفاق افتاد و ار « فدائیان » هشت نفر مجروح گردید و مدعی بودند که دو نفر از آنها بقتل رسیده و اجسادشانرا که سرپا آغشته بخون بود بطرف میدان بقصد اینکه خشم و غضب مردم را برپاکن آورند حمل نمودند در صورتیکه یکی از آنها بکلی زنده بود - و قتی که آقایان دیدند بتوسط قنصل روس مقاصدشان بعمل نخواهد آمد مردمرا بتلکرافخانه ایران فرستادند و تلکرافاتی بمسارات خیلی سخت وبدون امضا نوشتند که مخایره شود لیکن تلکرافخانه از مخایره آنها امتناع نمود - روز بیست سیم اوت جمیع دروینجره های تلکرافخانه را شکسته و تلکرافچی را بقتل تهدید کردند - روز دیگر وی را از اداره اش بانجمن ولایتی کشیده چون باز هم از مخایره تلکرافات بدون امضا انا داشت آقایان نورالله به « فدائیان گفت او را در مسجد شاه محبوس دارند لیکن حاکم واسطه شد و آقایان برهائی وی اشارت دادند - فردای از روز مشارالیه تلکرافخانه را بست و بیجا رفت تا روز بیست و ششم اوت که تلکراف اتابک واصل گردید آقایان جمعی را برای عذرخواهی نزد وی کسبل داشتند پس ازان تلکرافخانه را باز و دوباره دابر ککر دانید - هم درین اوقات بازارها بسته بود و اجزای کبابی ژینکار به قنصل جبرال را بورت دادند که از طرف آقایان بایشان اطلاع داده شده که اگر اداره خویشرا مفتوح

سازید آنجا را یغما خواهند نمود

یزد

چندین قافله را در حوالی یزد دزد زده است و اقرار
 ابورت شصت و پنج نفر دزد سواره فارسی در راه کرمان بوقعت
 دادند — شصت نفر قره سوران تاکنون نگذاشته اند آنها دزدی
 نمایند و موافق ابورت واصله پس از آنکه مدت نیم ساعت مابین
 ایشان جنگ در پیوست تا قیت دزدها عقب نشستند

راه مشهد را بخسروخان که سابقاً رئیس ددها بود سپردند
 عسکری منظم سازد — یکی از سوارهای ابواب جمعی وی بتازیکی
 دوپانی را که از نگاهداشتن اسب او سرپیچی کرده بود بصرب کلونه
 اریای در آورد — جسد مقتول را برای گذرانیدن از نظر
 یسقونسول اعلیحضرتی به تلکرافخانه انگلیس در شهر یزد آوردند
 — اتفاقاً ویسقونسول حاضر نه بود و رئیس تلکرافخانه باشعاصیکه
 اسب را آورده بودند اطمینان داد که واقعه را بویسقونسول
 اطلاع خواهد داد پس از آن آنها جسد مقتول را از آنجا
 برکت دادند

(شیراز)

در شاهراه پوشهر دزدی های چند اتفاق افتاد از آن جمله
 : صد مأمور مقیم و پست ایران و نیز کادوان زیبکر بود که گرفتار
 ددها گردیدند .

دو نفر را بتقصیر حمله آوردن بر نوکر مامور مقیم که اکنون
 دوشیر ر متوقف است حضور حکومت رسید و از دنبال ایشان
 حمایت دادند و فریادی حرارت می نمود — چون آنان را نزد حاکم
 آوردند نتیجه چنین قرار یافت که در حضور مژور وکس مانوکر وی
 صلح نمایند و پیغام دادند که امید است این مسئله بهمین قسم فیصله
 یابد — لیکن چون این طریقه مکی نه بود عاقبت آن دو نفر مرگ
 را مخمیان در حضور منشی مامور مقیم تائب نمودند .

فرقه ملاحا کوشش دارند که کلیه اختیارات را بقبضه تصرف
 در آورده حاکم را معزول سازند و از قرار معلوم حاکم در جمع نظام
 نهایت اهتمام را دارد چنانچه اتابک م حوم بوزیر مختار دولت
 فخریه اظهار رضایت او داشته و گفته بود که از او تقویت
 خواهد شد .

نمره - ۴۵

مکتوب سراسپرینک وایس به سراد وارد کوری —

آقا ار قلمك ۱۳ سپتامبر ۱۹۰۷

ناکال افتتاح معروض میدادم که به هیئت دولت ایران

تخصوصاً وزیر عالیه راجع به سامان تادیه طلاب بانک شاهنشاهی
 و دولت انگلیس مکرر اظهار داشته ام .

پرداخت قروض ماکوره را قرار داده بودند که ماهی سی

هزار تومان از محل برکات کرمانشاه ارسال نمایند .

از این برای هر روز و ماهی مبالغ هندیه هزار تومان شخص
 شاه چیته مخارج اداره قشونی آذربایجان حواله نمود — همچو
 معلوم میشود که از عمل کرد اداره تلگرافخانه با عایدات صیدهای
 بحر جزر (که عنوان وقفه به يك طلب کار روسی داده شد) و با
 همچنین از عایدات کر بوشهر چیزی وصول شده باشد — اگر
 دولت مالیات بوشهر را صرف مقاصد خوش بینمورد هر آینه فرع
 و يك مقداری از اصل طلب پرداخته باشد

تا کمال افتخار صورت فرود دولت ایران را که
 مستر رایتو محس الاملاع من تبره نموده لذا ارسال میدارم —
 قروض مذکور بالغ بر ۵۵۰۰۰۰۰ لیره است که از آجمماه ۱۳۰۰
 لیره فرسی است که موجود نده آن منقسی گردیده — دین دولت
 ایران معادل ۱۶۳۰۰۰ لیره از حد مهرود درامبار تجاوز نموده
 ناصر الملك وزیر مالیه امدهوار بود که تواند نقشه برای
 اصلاح مالیه موقع اجرا کند و اعتماد داشت که بدان وسیله
 دیات ایران موفق نادار قرضه به به مخارج لازمه خوش کردد —
 اساس نقشه را این بود که در مالیات داخلی اصلاحاتی بعمل آورده
 شود بان طریق فرسی را که فعلاً حناء میرد جزء جمع نموده و
 مصرف مخارج حکومتها و ولایاتی دربار رسانند و لکن ناصر الملك
 استعفا داد — شاهین او این بدان و نظر عمده اش این است
 که آن قوم را بدارد من ناصر الملك از دادن مالیه مملکت در مقابل

حواله جات شخص شاه امتناع ورزد

باین حالات حاضره و مرج و مرجی ~~صکه~~ در حکومت ایران بواسطه قتل اتابك و تغییر جدید کابینه روی داده هیچ امیدی نیست. قرار و فیصله بانطور که رضایت بخش باشد بدهند مگر به تهدید و اجبار — چون ظاهراً محل نقدی دولت ایران فقط منحصراً بمایدات، کمرکات است نتیجه این شده که به پلیس و قشون ولایتی که هنوز در بعضی از نقاط مملکت صورتی از نظم را نگاهداری مینمایند حقوق نرسیده است

(امضا)
سسیل اسپرینک رایس

ملفوف نمرة - ۴۵

یاد داشت واجع بقرض دولت ایران بیانك شاهنشاهی
قرض بلا واسطه دولت ایران موافق محاسبات عمومی
تا بیستم سپتامبر گذشته
معادل بود با ۱۸۷۲۸۵۲ تومان
منافیکه در حساب آنها تا بحال نوشته شده و آنچه
تا بیستم سپتامبر آتیه محسوب شود
تومان
جمعاً معادل است ۲۲۹۸۳۸
و از آن بابت نقد داده اند ۱۷۷۷۴۰
الباقی از بابت منافع ۵۲۰۹۸
تومان

مجموع بدهی ایشان ۱۹۲۴۹۵۰

اضافه بر مبلغ متعینه در امتیاز بانک گرفته شده . . . ۸۴ ۱۶۲۰
 بملاوه از بابت قروض سایرین که دولت بعهده گرفته . . . ۶۷۷۷۶۲
 قرض شخصی اعلیحضرت ۷۷۵۱۷
 و از بابت حساب ۲۹۰۰۰۰ لیره (فقط ربح)

۱۳۹۱۵ لیره و ۱۸ شلینگ و ۲ پنس که معادل است
 با ۶۹۵۸۰ تومان .

اگر دولت همانطور که قول داده بود از عایدات کمرکات
 پوشهر بما می برداخت نه فقط از بابت فرع و قسمت استهلاك قرضه
 ۲۹۰۰۰۰ لیره منظمأ برداخته می شد بلکه ربح و حتی قسمتی از اصل
 طلب مانیز ادا میکردید .

نمره - ۴۶

تلگراف سراسرینک رایس به سراد وارد کری —
 (وصول دویم اکتبر)

از طهران مورخه دویم اکتبر ۱۹۰۷
 انجمنی مرکب از شاهزادگان - رؤسای لشکری و کشوری
 ملاکین عمده و تمام مرتجعین معروف یک اعلامی بشاه نمودند که اگر
 آن اعلیحضرت از مشروطیت نکاهداری نه نماید و بمجلس در اجرای
 امور همراهی نکند هر آینه ایشان دیگر از هوا خواهی و حمایت
 سلطنت آن پادشاه کناره خواهند نمود - اعلیحضرت جوابهای
 معمولی که تماماً مبنی بر اطعنتان بود بایشان فرستادند - وزیر

امور خارجه که مقامش بواسطه تعطیل عمومی اجزای آن
وزارتخانه خیلی متزلزل است مخالف حضرات میباشد ولی رئیس
الوزرای جدید وعده داده که ایشانرا تأیید نماید .

اعضای این انجمن حمایت وحفظ مشروطیت را در مجلس
که برای همین مقصود رفته بودند قسم یاد کرده و بقیه همین
تعهد نمودند .

اکنون فقط حامی وهوا خواه شاه وزیر امور خارجه
است و با این حال معروف است که هنوز نظریات ارتجاعانه
خود را دارا میباشد .

سفارت در کلبه این وقایع رفتار و حالات طبعی را از
دست نداد .

نمره - ۴۷

تلگراف سر اسپرینک رایس به سراد وارد کری —
(وصول سوم اکتبر)

از طهران بتاريخ سوم اکتبر ۱۹۰۷
سعدالدوله از مقام وزارت امور خارجه معزول گردید
(رجوع ننمائید به تلگراف دیروز من) .

نمره - ۴۸

مکتوب سراد وارد کری به مستر مارلینک

از وزارت امور خارجه (لندن) هفتم اکتبر ۱۹۰۷ آقا

مکتوب مورخه سیزدهم ماه گذشته سراسپرینک وایس را دریافت داشتیم و در جوف آن سواد مراسله که بدولت ایران راجع به تمویق تادیه اقساط استهلاك نوشته بود نیز واصل گردید هرگاه تا مدت شایسته وصول مراسله مزبوره را دولت ایران اعتراف نه نماید آنوقت شما بایستی باز در این موضوع اظهارات دیگر به نمایند

(امضا) ای - کری

نمره - ۴۹

تلمکراف هسنر مار انیک به سراد وارد کری —

(وصول ۲۵ - اکتبر)

از طهران بیست و پنجم اکتبر ۱۹۰۷

هیئت وزرای جدید در تحت رئیس الوزرائی ناصر الملك

که نیز دوباره بوزارت مالیه منصوب گردید تشکیل یافت - مهم

ترین اعضای این هیئت عبارتند از مشیرالدوله پسر مرحوم مشیر

الدوله که بمقام وزارت امور خارجه برقرار و صنیع الدوله بوزارت

داخله منصوب و مخیر السلطنه برای وزارت عدلیه معین

گردیده اند .

نمره - ۵۰

مکتوب سراسپرینک وایس به سراد وارد کری —

(وصول بیست و هشتم اکتبر)